

کارشناس اقتصادی: وضعیت اقتصادی با انتخاب نشدن یزشکیان بدتر می شود

چشم نگران اقتصاد

همدلی یک کارشناس اقتصادی می‌گوید: با توجه به در پیش بودن انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، وجود و حضور رئیس جمهوری که سیاست‌های منطقی را پیگیری کند و منافع همه مردم و نه فقط منافع یک گروه و قشر خاص را دنبال کند، ضرورت دارد. «حسین رافعی» در گفت‌وگو با ایلنا با مقایسه وضعیت اقتصادی کشور در صورت انتخاب «مسعود یزشکیان» یا «سعید جلیلی» اظهار داشت: گرچه هیچ‌یک از کاندیداهای ریاست جمهوری حرف روشنی به معنای ارائه راه‌حل مشخص برای رفع مشکلات اقتصادی مردم ارائه ندادند اما معتقدم در دوره دوم انتخابات باید به یزشکیان رای داد تا حدودی از ادامه این وضعیت ناپس‌انداز اقتصادی جلوگیری و از تخریبی که در چند سال گذشته صورت گرفته تا حدودی کاسته شودوی با بیان اینکه مردم باید بدانند رئیس جمهور نقش زیادی در اصلاحات ساختاری ندارد. **صفحه ۲**



یادداشت‌ها

فرست‌ها و چالش‌های فرادای انتخابات

گرچه قدرت اجرایی آقای یزشکیان، گزینه نخست کسب عنوان ریاست جمهوری اسلامی ایران هنوز محک نخورده، ولی وی می‌تواند با کمک نیروهای متخصص و متعهد و بی‌حاشیه (مثل خودش) که اکنون به وفور و آیدیه در مملکت وجود دارند...



بهاء الدین
بازرگانی کیلانی
تحلیل‌گر سیاسی

چه کسانی می‌توانند در دور دوم انتخابات رأی بدهند؟

کشیده شدن انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری به دور دوم، این پرسش را برای بسیاری مطرح کرده است: کسانی که در دور نخست این انتخابات در پای صندوق‌های رأی حاضر نشدند، می‌توانند در دور دوم رأی خود را به صندوق بیندازند یا نه؟



محمود
پوررضائی ششتمی
حقوقدان

نگاه محفلی به اداره کشور

چگونه بن‌بست‌های سیاسی را قوام و دوام می‌بخشد؟

عاجز از «اجماع» اما مدعی «عمق راهبردی»

انتقاد از سیاست‌های دولت سیزدهم در حضور وزیر صمت

اوضاع در شأن مردم ایران نیست

پرونده «کرنت» پس از دو دهه همچنان موضوع روز است
خان کیست؟



برای آوردن منتقدان به میدان باید درباره حجاب، فیلترینگ و آزادی‌های اجتماعی تضمین داد

زنان آرای خاموشی را هدایت می‌کنند

حجم گاز قرارداد کرسنت، قرارداد دیگری با قیمتی بالاتر منعقد شد، قیمت قرارداد کرسنت اصلاح شود. او در سال ۱۳۹۲ به این نکته اشاره کرده بود که ایران برای اجرای این قرارداد ۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده است و در نهایت گفت: «این سرمایه‌گذاری بلااستفاده باقی ماند و حتی خط لوله ۱۶۰ کیلومتری سلمان به تکیه بوسیله اکنون از بین رفته است.»

یک روایت تکان دهنده
«الوفضل حسن‌بیگی» حضور کمیسیون امنیت ملی وسیاست خارجی مجلس در ۲۶ تیرماه سال ۱۳۹۷ گفت‌وگویی با خبرگزاری ایسنا انجام داده و ابعاد عجیبی از این پرونده را افشا کرده است. وی به تاریخ انعقاد این قرارداد اشاره کرده و گفته است: «کشور امارات در آن زمان با کشورهای ترکیه، عمان و عربستان سعودی که امیرعبدالله پادشاه وقت آن بود به مشکل خورده بود و بهترین فرصت برای کشورمان مهیا شد که با توجه به رقابت با قطر در زمینه مخازن گاز، بتوانیم قرارداد مناسبی با امارات منعقد کنیم که بر اساس آن هزینه اجرای پروژه ۲ میلیارد دلار می‌شد و پس از آن سالانه یک میلیارد در آمد کسب می‌کردیم.» این عضو گروه تنظیم قرارداد کرسنت در این گفت‌وگو مدعی شد: «فردی که در پشت پرده با نقشه حاضر بوده است، آقای کران که پیش از تصدی وزارت ۵ میلیون دلار به حساب فردی دیگر واریز کرد و جنگ احزاب را در کشور به وجود آورد موجب شد که با فسخ قرارداد کرسنت دست کشورمان از امارات کوتاه شد و آنها نتوانستند صرفاتی‌های ما را تعطیل کنند.»

در عین حال قلمی از «محمود احمدی‌نژاد» در روزهای اخیر منتشر شده است که وی در آن ادعا می‌کند: «طرفی که قرارداد را بسته نامه به من نوشت و گفت در این قرارداد از ما رشوه گرفته شده است. آقای کران و دیوان محاسبات وارد ماجرا شدند، ما به خود طرف گفتیم که زیر پای این نامی‌رویم، جالب است که ایشان پذیرفت و قیمت را نزدیک قیمت بین‌المللی بالا آورد منتها از داخل اجازه ندادند و جوسازی کردند و آقای کران که جلوی این‌را گرفت در تیتیر یک روزنامه‌ای که مدعی انقلابی‌گری است، منمهم به دریافت رشوه شد.» در شهریور ماه ۱۳۸۷ روزنامه کیهان فاش کرد که مدیرعامل شرکت امراتی کرسنت با «علی کران» وزیر وقت کشور مذاکراتی را برای نهایی کردن این قرارداد انجام داده و آقای رحیمی نیز در آن جلسه حاضر بود. آقای کران که قیمت برآید، بنیادی کشور، قائم مقام وزارت نفت بود گفت که از طرف وزیر نفت مسؤولیت داشتند تا تکلیف قرارداد کرسنت را روشن کنند.اما پرسش مدیر مسول روزنامه کیهان این بود که مسؤولیت وزیر کشور در قرارداد چیست و چرا آقای رحیمی که به نوشته کیهان یکی از «فشانندگان فساد مالی در قرارداد قبلی کرسنت بوده در یکی از جلسات حضور داشته است.» مدیران شرکت کرسنت در سفری مخفیانه فروردین ۸۸ به تهران آمدند و یکسره از فرودگاه مهرآباد خود را به وزارت کشور رساندند تا جلسه‌ای را با علی کران، سرپرست وزارت کشور برگزار کنند. **ادامه در صفحه ۵**

پرونده «کرنت» پس از دو دهه همچنان موضوع روز است
خان کیست؟
«در پرونده کرنت ۱۴۵ میلیارد دلار جریمه شدیم.» چرا کرنت مهم است؟
سئوال اصلی اما اینجاست که دلیل اهمیت کرنت چیست و چرا این پرونده با این ابعاد بزرگ تا این اندازه اهمیت دارد که پای آن در این سال‌ها به جلسات رای اعتماد و مناظره‌های ریاست جمهوری باز شده است. داستان کرنت داستان پیچیده‌ای است. قرارداد فروش گاز ایران به امارات بین «شرکت ملی نفت ایران» و شرکت نفتی کرنت پس از سال‌ها مذاکره، در زمان ریاست‌جمهوری «سید محمد خاتمی» به امضا رسید. در این دوره «بیژن نامدار زنگنه» وزیر نفت ایران بود. طبق مفاد پیش‌بینی شده در این قرارداد مقرر بود برای ۲۵ سال ایران گاز میدان نفتی «سلمان» که در راه به این کشور صادر کند. نکته مهم اینجاست که در حال حاضر و در تمامی سال‌های گذشته گاز میدان نفتی سلمان روی فلرها می‌سوزد اما در این قرارداد پیش‌بینی شده بود این گاز با خط لوله‌ای که از کف خلیج فارس عبور می‌کرد، به این کشور صادر شود. با تغییر دولت در ایران در سال ۱۳۸۴ «محمدرضا رحیمی» رئیس دیوان محاسبات در قامت چهره‌ای منتقد این قرارداد را غیرقابل اجرا اعلام کرد. برخی مقامات ایران و برخی شخصیت‌ها در جریان این انعقاد این قرارداد به دریافت رشوه متهم شدند. در این میان اما «مسعود سلطان‌پور» مدیرعامل سابق شرکت تأسیسات دریایی ایران روایت عجیبی را دارد. وی در سال ۱۳۹۲، وقتی برخی به استناد قرارداد اجرا نشده کرنت درصدد بودند مانع از آن شوند که زنگنه وزیر پیشین‌های نفت روحانی بتواند رای اعتماد در مجلس دریافت کند، ابعادی از پرونده را فاش کرد. وی در جمع خبرنگاران گفته بود: «در دولت نهم محمدرضا رحیمی رئیس وقت دیوان محاسبات کشور انتقادات شدیدی به قرارداد کرنت وارد کرد؛ به طوری که در یکی از نمازهای جمعه از خسارت ۲۱ میلیارد دلاری ایران در پی امضای این قرارداد خبر داد اما وقتی ایشان در دولت دهم به عنوان معاون اول رئیس جمهور انتخاب شد تلاش کرد تا این قرارداد را به سرانجام برساند.»

وی افزود: «چرا که آقای رحیمی نیز وقتی در جریان جزئیات امور قرار گرفت متوجه شد که این قرارداد خیانت‌آمیز نبوده و فقط به تناسب زمان نیاز به اصلاحاتی دارد. در قرارداد کرنت فاکتورهایی برای اصلاح قیمت دیده شده بود. از جمله اینکه آورده شده اگر بعد از امضای این قرارداد خریدار دیگری با قیمت بالاتری گاز از ایران خرید، به منظور اصلاح قیمت قرارداد کرنت دو طرف پای میز مذاکره بنشینند اما امراتی‌ها با اشاره به اینکه ممکن است ایران با خرید و فروش صوری گاز به دنبال تغییر در قیمت برآید، بنیادی پرونده را برای افکار عمومی گشود و اعلام کرد: این پرونده را بد است؟ چرا فرار می‌کنید؟»

«سعید جلیلی» که دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت در جلسه‌ای در سپتامبر ۱۳۹۱ گفته بود «ایران نباید قرارداد کرنت را اجرا کند و در صورت شکایت طرف امراتی هم خسارت و جریمه چندانی متوجه ایران نخواهد شد.»

این اولین بار نیست که در مناظره‌های ریاست جمهوری پرونده کرنت متفوح می‌شود. در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری نیز هاشمی طبا ابعادی از این پرونده را برای افکار عمومی گشود و اعلام کرد:

بسیست و دو سال از انعقاد قرارداد کرنت و نزدیک به ۱۹ سال از توقف اجرای این قرارداد می‌گذرد اما کرسنت هنوز در ادبیات سیاسی ایران مساله مهم با ابعادی ناگفته است.

در مناظره‌های انتخاباتی چهاردهمین دوره‌ی ریاست جمهوری «مصطفی پورمحمدی» نامی را به میان کشید تا بار دیگر مناقصه‌ای حل نشده و ناتمام در فضای سیاسی ایران با بازگشایی پرونده‌اش روبرو شود. حرف و حدیث‌هایی که در این روزها پیرامون قرارداد اجرا نشده کرسنت شکل گرفت نشان می‌دهد این زخم عمیق همچنان مرهمی در فضای سیاست و اقتصاد ایران نیافته است.

سئوال مهم مصطفی پورمحمدی، از سعید جلیلی، دیگر کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری، این بود: «چرا از مناظره با بیژن زنگنه، وزیر نفت دولت‌های آقایان خاتمی و روحانی طفره رفتید؟»

به گزارش خبرآنلاین، جلال لفظی بر سر کرنت البته تنها میان پورمحمدی و جلیلی رخ نداد. علیرضا زاکانی شهردار تهران نیز اتفاقا در این مناظره زبان به تهدید گشود و خطاب به پورمحمدی گفت: «سر پرونده کرنت ما با شما کار داریم.» چرا که به گفته وی «بخشی از اسناد مربوط به کرنت به دست پورمحمدی رسیده شده»، اما به ادعای او «در دفتر رییس وقت سازمان بازرسی کل کشور، باگانی شد و مورد رسیدگی قرار گرفت.»

پورمحمدی هر چند در آن نشست پاسخی به زاکانی نداد اما در نشست بعدی مناظره باب بحثی را گشود که پرونده‌اش همچنان در افکار عمومی مفتوح است. پورمحمدی گفته بود: «برخی باید تحمل داشته باشند و عصبانی نشوند و اتهام هم بی‌خود نزنند. این روزها می‌گذرد. عجیب است قراردادی ۸۱ بسته شده و ماها ۸۷ رقیمت سازمان بازرسی ۲ گزارش آمده برای ما و ما آن گزارش را منظم کردیم و فرستادیم؛ الان می‌شود از سازمان بازرسی پرسید.»

او البته ابعادی از این پرونده را نیز فاش کرد و گفت: «احمدی‌نژاد دوبار دنبال آن بود که مشکل را حل کند یعنی هم فساد به دادگاه برود و هم این فردا (کرنت) اجرا شود، اما آقای جلیلی جلوی آن را گرفت.»

او در ادامه گفت: «کسی به اسم زنگنه متهم است و می‌گوید خیانت کرده؛ او هم می‌گوید شما دهما میلیارد دلار خسارت به کشور وارد کردید؛ از دادگاه تقاضا داریم زودتر رسیدگی کند. اما اینکه ملت بدانند چه خسارتی به ملت وارد شده و جزئیات را بفهمند بد است؟ چرا فرار می‌کنید؟»

«سعید جلیلی» که دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت در جلسه‌ای در سپتامبر ۱۳۹۱ گفته بود «ایران نباید قرارداد کرنت را اجرا کند و در صورت شکایت طرف امراتی هم خسارت و جریمه چندانی متوجه ایران نخواهد شد.»

این اولین بار نیست که در مناظره‌های ریاست جمهوری پرونده کرنت متفوح می‌شود. در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری نیز هاشمی طبا ابعادی از این پرونده را برای افکار عمومی گشود و اعلام کرد:

یادداشت

چه کسانی می‌توانند در دور دوم انتخابات رأی بدهند؟

محمود پور رضائی ششتمی _ کشیده شدن انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری به دور دوم، این پرسش را برای بسیاری مطرح کرده است: کسانی که در دور نخست این انتخابات در پای صندوق‌های رأی حاضر نشدند، می‌توانند در دور دوم رأی خود را به صندوق بیندازند یا نه؟

به نظر می‌رسد ریشه این ابهام به قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی باز می‌گردد؛ چرا که مطابق صدر تبصره «۴» ماده ۱۰ این قانون، چنانچه انتخابات حوزه انتخابیه به دور دوم کشیده شود، رأی‌دهندگان دور اول انتخابات منحصر در همان حوزه انتخابیه‌ای که در مرحله اول انتخابات رأی داده‌اند، می‌توانند در انتخابات شرکت کنند.

به عبارت دیگر، صدر تبصره مقرر کرده است اگر شخصی در دور اول انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه نجف‌آباد رأی داده و تکلیف انتخابات در آن حوزه انتخابیه در دور اول مشخص شده است، نمی‌تواند در انتخابات حوزه انتخابیه اصفهان که به دور دوم کشیده شده است، رأی دهد. همچنین حتی اگر انتخابات در نجف‌آباد نیز به دور دوم کشیده شده باشد، کسی که در دور نخست در این حوزه انتخابیه رأی خود را به صندوق انداخته است، نمی‌تواند در دور دوم در اصفهان رأی دهد.

به همین دلیل ذهنیتی برای برخی شکل گرفته است که ممکن است کسانی که در دور نخست انتخابات ریاست‌جمهوری مشارکت نکرده‌اند، در دور دوم هم حق رأی‌دهی نخواهند داشت. این در حالی است که حتی در انتخابات مجلس نیز چنین قاعده‌ای وجود ندارد، چه رسد به انتخابات ریاست‌جمهوری.

در ادامه همان تبصره «۴» ماده ۱۰ قانون انتخابات مجلس که بخش اولش در سطرهای پیشین تشریح شد، تصریح شده است «کسانی که در مرحله اول در هیچ یک از حوزه‌های انتخابیه رأی نداده باشند در مرحله دوم انتخابات می‌توانند شرکت کنند.» اما این بخش از تبصره مذکور چندان در ذهن‌ها نمانده است. حال برسیم به انتخابات ریاست‌جمهوری؛ نخست باید یادآور شد که در این انتخابات کل کشور یک حوزه انتخابیه بیشتر نیست. دوم اینکه در قانون اساسی و قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، هیچ محدودیتی درباره کسانی که در مرحله نخست انتخابات مشارکت کرده‌اند، وضع نشده است. بنابراین، بی‌شک همه واجدان صلاحیت رأی دادن، اعم از اینکه در مرحله نخست رأی داده باشند یا نه، می‌توانند در انتخابات دور دوم رأی بدهند. اساساً فلسفه تقنین اصل ۱۱۷ قانون اساسی که مقرر کرده است چنانچه هیچ یک از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری نتوانند اکثریت مطلق آراء (نصف کل آرای صحیح و باطله به اضافه یک رأی) را به دست آورند، انتخابات با حضور دو نامزد دارای بیشترین رأی، به دور دوم کشیده شود، سه چیز است:

۱- آن دسته از رأی‌دهندگان که انتخاب نخست‌شان نامزدی غیر از دو نامزد حائز بیشترین آراء بود، بتوانند با توجه به وضع جدید، دست به تقاضا داریم زودتر رسیدگی کند. اما اینکه ملت بدانند چه خسارتی به ملت وارد شده و جزئیات را بفهمند بد است؟ چرا فرار می‌کنید؟»

«سعید جلیلی» که دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت در جلسه‌ای در سپتامبر ۱۳۹۱ گفته بود «ایران نباید قرارداد کرنت را اجرا کند و در صورت شکایت طرف امراتی هم خسارت و جریمه چندانی متوجه ایران نخواهد شد.»

این اولین بار نیست که در مناظره‌های ریاست جمهوری پرونده کرنت متفوح می‌شود. در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری نیز هاشمی طبا ابعادی از این پرونده را برای افکار عمومی گشود و اعلام کرد:

حقوقدان

یادداشت

فرست‌ها و چالش‌های فرادای انتخابات

بهاء الدین بازرگانی کیلانی _ گرچه قدرت اجرایی آقای یزشکیان، گزینه نخست کسب عنوان ریاست جمهوری اسلامی ایران هنوز محک نخورده، ولی وی می‌تواند با کمک نیروهای متخصص و متعهد و بی‌حاشیه (مثل خودش) که اکنون به وفور و آیدیه در مملکت وجود دارند و با جلب حمایت مقام رهبری، مشکلات انباشت شده در مملکت را مرتفع کند ورق را تا حد زیادی برگرداند. این خود برای نظام یک گشایش است و نظام اساساً بنا ندارد درست، مدرن و بدون دشواری شود نظام با مشکل رشد کرده، زیسته و فکر میکند بدون آن بی اثر و بتدریج از متن قدرت جارو خواهد شد.

حاکمیت در ایران امروز به این قطعیت رسیده که باید پاشنه آشیل خود، همانا اقتصاد و معیشت را ضرورت و فوریت در مدار بهبود سیستماتیک قرار دهد. تا مبارزه عمیق با فساد صورت نگیرد، خطر بزرگ و تهدید کننده همچنان دهان گشوده است.

بر خلاف آنچه امروز با اهداف خاصی بزرگنمایی می‌شود، نگاه بخشی از هسته سخت قدرت در ایران و مخصوصاً نظامیان کاملاً هم به روسیه دوخته نشده است. امضای برجام با رخصت و رهنمود رهبری مستقیماً با ایالات متحده، شاهد این مدعا است. بخشی از سپاه هم از برخوردهای روسیه، (مخصوصاً قبل از جنگ در اوکراین) ظنین و ناراضی شده‌اند واقعیت این است که در مورد نقش پوتین در ایران اغراق‌گویی می‌شود. روسیه تا خرخره درگیر با غرب است و گروگان چین و کره و هند و ایران و ترکیه شده است. حتی در ارمنستان و آذربایجان، دنباله‌استراتژیک اثن منفع‌ل مانده و عقب کشیده است. روسیه با ضعف ساختاری و مخصوصاً کسری جمعیت شناختی خود، در آینده به حد یک قدرت میانه فرسوده خواهد شد. غرب هم در این کارزار، هر آینه در مواجهه با خطر و شوک بحران‌های بزرگ اقتصادی و مالی قرار دارد و می‌خواهد خود را به هر قیمتی از آن مصون بدارد. برقراری یک رابطه متعادل ساز و معقول با روسیه ی همسایه، بعد از یکصد سال سوء ظن و امتناع، یک ضرورت و شرط سیاست است.

از سوی دیگر ایران در دوره ریاست جمهوری احتمالی آقای یزشکیان و با حمایت مقام رهبری می‌تواند دوباره به غرب رویکرد نسبی نشان دهد و مخصوصاً بار تحریم‌های سخت را از دوش خود تا حد زیادی بردارد. غرب هنوز در میان مردم و طبقه متوسط جاذبه دارد و علیرغم سوابق تاریخی بسیار بد، اما با رویکردهای مردان انقلاب در چهار دهه گذشته، برای دیگر ممالک مسلمان منطقه طرفداران بیشتری هم اینجا پیدا کرده است.

آقای یزشکیان بعد از چهل سال حضور در متن سیاست‌های داخلی، آنقدر تجربه و فراست اندوخته دارد که با همراهی مقام رهبری بتواند تغییرات تعیین کننده‌ای را در کشور رقم بزند. رهبری هم در موقعیت سیاسی، داخلی و سنی و فیزیکی چنانی نیست که دوباره ریسک آزمون دیگری را به جان بخرد. غرب و مخصوصاً ایالات متحده در سه دهه اخیر با تکبر و زیاده خواهی خود، مرتکب اشتباهات مهلک و بازگشت ناپذیری در منطقه شده و قافیه را در درجه نخست به چین کمونیست باخته است. قدرت‌های دیگر نیز در این منطقه به وسوسه یافتن شریک و ائتلاف‌سازی افتاده‌اند بدون تردید

غرب حالا دیگر رویکرد بهتری از سر اجبار به جمهوری اسلامی نشان خواهد داد که باید از این فرصت با مهارت و ظرافت بهره برداری کرد و ائتلاف سنتی غرب با برخی ممالک رقیب منطقه‌ای را تخریب و متزلزل نمود. حتی با ترامپ و در صورت انتخاب محتمل اش، ترامپ قبلاً هم با جبار زیبار خصومت برجامی با ایران رفت. طرح باصطلاح «تغییر رژیم» بولتون، خام بود و شکست راهبردی بزرگی برای ایالات متحده به‌مراه آورد و یکی از عوامل اخراج بولتون از دستگاه قدرت ترامپ بود. بایدن تا حد زیادی این طرح‌های های ناکام را تغییر داده است. برخی از آگاهان بین‌المللی بعضاً این احتمال را اینکه مطرح می‌کنند که حال که تلاش جداسازی روسیه از چین تقریباً بکلی منتفی شده و این دو در شرایط امروز ژئوپولیتیکی دنیا به یکدیگر چسبیده‌اند، لذا وجه جداسازی ایران را از این ائتلاف در راهبرد‌های بلند مدت خود گنجانده‌اند. مصوصاً چین چالش بزرگی است و در آینده می‌تواند قرن‌ها هژمونی پلانمانع غرب را متزلزل و هزینه مند سازد و غرب برای مهار چین به هر دری می‌زند. بیجهت نیست که ترامپ اخیراً گفته (بمضمون) که توافق کامل با ایران دست یافتنی و کار ساده‌ای است؛ فقط باید بمب نسانزند، «همین!» اکنون حل بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تا حد زیادی به اراده تهران بستگی پیدا کرده است. /دیپلماسی ایرانی

تحلیل گریسیاسی